

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

اختناق هندوستان

یا

هندوستان در چه حال است

مقام (ویل دورات) بیسوی شهر امریکائی

ترجمه

و. نامور

حق چاپ محفوظ است. ممنوع از ترجمه است

اول آبان ۱۳۹۰

مطبعه بیخبرین باقری اصفهان

۹۵۴
نام
- تاریخ
۵۱۸:

اختناق هندوستان

یا

(هندوستان در چه حال است)



بقلم (ویل دورانت) فیاسوف و نویسنده مشهور امریکائی

ترجمه : ر . ناهور

حق الطبع محفوظ و مخصوص مترجم است



قیمت در همه جای ایران نهمین - خارجه یک دولا

اول آبان ماه ۱۳۱۰

مطبعه برادران باقیه زاده طهران

ترجمه این کتاب را اهداء میکنم بدوست

دانشمند عزیزم

آقای دکتر رضا زاده شفق

تذکر

کتابی که اینک تقدیم خوانندگان
میشود چندی قبل در تحت عنوان
« هندوستان در حال است » در
جریده فریده شفق، ناشر گردید ولی
بر از تطبیق اسم کتاب با اصل موضوع
نام **اختناق هندوستان** را برای
آن مناسبتر دیدیم

مترجم

مقدمه مترجم

آزادی فردی و استقلال اجتماعی یکی از حقوق مسلم بشر است که افراد و ملل بدون آن نمیتوانند خویش را از حقیقت مذلت نجات داده و بسر منزل رفاه و آسایش برسند. در دنیا بیکه که مادر آن زندگانی میکنیم حکمهرمانیها، قدرتها، استبدادها، سلطنتهای مطلقه، جور و پیداد حکومتهای جا بزه از یکطرف، و مظلومیتها، زیر دستیها، اسارتها، و نکبتهای ملل و جماعات از طرف دیگر جهان مردمی را تیره ساخته و زندگانی را بر مذاق مردمان آدم تلخ و ناگوار نموده است.

تجربیات ادوار و قرون ساله ما ثابت میکنند که يك ملت محکوم و زبردست که سرانجامش حیات سیاسی و اجتماعی آنرا یکدوات حابر و ضایقه به می بادول قاهر و غالب اجنبی اداره کند از ترقی و شکوفایی، عزت و کرامت، استقلال، فکری و شهادت اخلاقی محروم و تمام مجاهداتش برای حصول نیکبختی و سعادت نسبی عظیم تاثیر و بی نتیجه خواهد بود. برای نبودن این دنیا و محتاج باقائه دلایل زیادی هستیم. همه بگذریم که در دست بگوئیم ما، و در مملکتی اصولی يك سلطنت مطلقه و مستبدانه هر شکل و عنوان که باشد برقرار کرده اشخاص، قری و درجات نامی که در دوره زندگانی حریت صمیم و استقلال فکری و طبیعی خود را محافظت کرده و دامن خویش را بلوت مذلت و سهالت آلوده نموده و در پیشگاه حکمداران سر تسلیم بر زمین نهاده و تمام بانه ادبیات را لنگه دار نموده باشند بدرت ظهور میکنند. اگر این عقیده صحیح است باید دید ممالکی که اسیر سرینجه استیلاء جویانه مهاجمین و غارتگران خارجی شده و طوق رقیت اجانب را بگردن دارند تا چه درجه دچار انحطاط فکری و اخلاقی خواهند بود. استیلاء اجانب در يك مملکت بدون استثناء روح آزادگی را در اهالی آن میکشد، فکر آنها را بطرف پستی و انحطاط میکشاند و افراد آنرا بشمول تنك زیر دستی، مذلت، توهین و تحقیر عادت میدهد و از رشد و نمو خصایص

معنوی و فضایل اخلاقی جلوگیری مینماید. اعمال شدت و اجبار در میان يك ملت و سلب آزادی از يك جامعه بهر شكل و در تحت هر عنوان كه باشد با انحطاط و زوال فكري و اخلاقی آن ملت توأم و بیشتر و مراد و فزونی حتمی و قطعی آن خواهد بود.

رای يك ملت هیچ بلا و صاعقه آسمانی بقدر استیلاء و تسلط يك دولت مهاجم اجنبی هول انگیز و وحشت آور نیست. ملتی كه استقلال سیاسی ندارد از آزادی، از آسایش، از هستی و ثروت، از حقوق و امتیازات سیاسی و اجتماعی، از تربیت و اخلاق و مدنیت محروم و بی بهره میباشد، حق حیات از او سلب شده، و شئون و حیاتیاتش دستخوش تطاول غارتگران است.

مللی كه در عهد آسایش بسر میرند، و از نعمت استقلال مقتضند، بسختی میتوانند بفهمند تیره بختانی كه در زیر زنجیر اسارت مینالند و با كاپوس مذلت و سفالت دست بگریباندند چه روزهای سخت و ساعات هولناکی میگذرانند باینز كه خوشبختانه استقلال سیاسی خود را در میان كشاكش قورمانان استعمار حفظ کرده ایم قهراً کمتر بفكر اسارت و تیره روزی دیگران میافزیم. ولی در مقابل مذلت يك ملت و مظالم وارده بر آن در اثر تجاوز جايرانه دیگران تا وقتی ممكن است متاثر نشویم كه کیفیت احوال آن ملت بر ما مجهول بوده و ندانیم چطور در گرداب فقر و پریشانی فرو رفته، تار و پود جهالت، تصعب، نادانی، از هر طرف بر آن تنیده و آبرو اسیر و مقید کرده است. ولی همینكه بر کیفیت احوال آن ملت واقف شدیم يك الهام درونی و آسمانی ما را وادار میکند كه بقدر همت و توانائی خود در مساعدت آن بهر شكل و بهر طریق باشد اظهار همدردی کنیم. این صدای آسمانی و الهام باطنی وجدان ما است كه در اصل خلقت آزاد و مستقل آفریده شده و چون مخالفی را كه در اثر اسارت بهر د پامندی وارد میشود می بیند برضد آن طغیان مینماید.

آری طغیان روح برضد فشار و استبداد یا تجاوز و استیلاء یکی از خواهیسی طبیعی و حتمی زندگانی است. قدرت و تسلط ممكن است موقتاً به تحدید و اختناق افكار موفق شود ولی برای همیشه نمیتواند از ظهور و بروز آن در تحت عناوین و باشكال مختلفه جلوگیری نماید. فشار و استیلاء و قدرت مطلق، حیوان هیولانیست كه از آزادی افراد و مال تنذبه میکند ولی در بازود این لقمه بزرگ در گلوئی آن گهر کرده و بدبار توستی رهسپارش میسازد.

یکی از ممالک وسیع مشرق زمین که در زیر زنجیر عبودیت و بردگی
مهنالد و با کمال مظلومیت برای حصول استقلال جان فشانی میکند هندوستان
است. این مملکت بیش از یکصد و پنجاه سال است در تحت استیلاء و نفوذ
شوم يك امپراطوری مقتدر و قهار غربی واقع شده و نفوس آن که خمس
جامعه بشری را تشکیل میدهد زنجیر رفیت و عبودیت اجاسرا بگردن دارد.
اسارت این سرزمین پهناور که زهانی مهد پرورش يك تمدن درخشان و بی
ظهوری بوده تمام دوستانان بشریت و عشاق حریت و آزادی را روحاً متالم و
افسرده نموده است. اسارت ۳۲۰,۰۰۰,۰۰۰ نفوس و سلب کردن حقوقیات
از آنها در کمان انسانیت را میلرزاند، رحم و شفقت سنگدل ترین مردمان تحریک
میکند و اشک تار و اصف از دیده هر بیننده جاری میسارد. اوضاع اصف انگیز
مردم این سرزمین پهناور مولود رفیت و اسارت آنها و بقدری موثر است
حتی متفکرین و هلاسه خود انگلستان که طبیعتاً مباحثی طرفداران هندوستان
باشند از طرز رفتار سایر امپراطوری برطانیای نسبت بان قطعه مشتمل بود
و نمیتوانند از ابراز احساسات و اظهار حسادت و همدردی نسبت بدان کشور
مستعبدانه خودداری نمایند. متراندراسل فیلسوف شهیر و متفکر معاصر انگلیسی
در یکی از مؤلفات خود موسوم به «چرا من مسیحی نیستم» غریب به این
مضمون میگوید.

اگر من آفریننده کائنات بودم جهانی سعادتمند تر و خوش بخت تر
این ایجاد میکردم هرگز در این دنیا بخت فاشیست و کوکاکس کلان مبادرت
نمینمودم، نقش وجود مستر و بنسئون چرچیل را در صحنه آفرینش رقم نمیزدم
و اگر او را خالق میکردم قلبی سلیم تر و رؤف تر بوی عطا مینمودم که نسبت
بازادبخواهان هندوستان قدری با ملامت و انسانیت رفتار کند.

متفکرین و مشاهیر رجال امریکا نیز که بیشتر طرفدار انسانیت میباشند
بس از وفوف بر کیفیت احوال مردم این سرزمین از اعتراضات عدیده به
امپراطوری برطانیای خودداری نکرده اند ولی در میان آنها ویل دورانت
نویسنده و فیلسوف عظیم الشان امریکائی پیش از دیگران متاثر گردیده و جدآ
طرفداری این سرزمین مظلوم قیام کرده و در صدد برآمدن است که صدای
دادجویی خود را بکوش بشریت برساند و دنیا را از مظالم وارده بر این ملت
آسوده نماید.

این مرد بزرگ ابتدا قبول خودش برای ازدیاد معلومات و ادامه تحقیقات فلسفی راجع بمبادی فکری مشرق زمین به هندوستان رفت ولی پس از ورود بان سرزمین بقدری در تحت تاثیر بدبختی و پریشان روز کاری مردم آن سامان واقع شد که نتوانست از ابراز مافی الضمیر خود داری کند پس از اینکه چند قطره اشک بر روی خرابه ها و در دیوار شکسته آثار باقیه آن سرزمین شار نمود عقاید و افکار خود را در ضمن کتابی که ما آنرا به «**اختناق هندوستان**» ترجمه میکنیم بیان کرد. این کتاب امکاس خارجی قالمات و تاثرات یک فیلسوف حقیقی است که از تمام قیود وارسته و حریت و آزادی بشریت را نصب العین خویش نموده است، و مانند همه آزادگان برای رهائی جامعه بشر از قید اسارت بقدر توانائی خویش بدل مساعی مینماید.

نویسنده در ضمن این کتاب عادات اعمال ناخر هندوستان و شدت فقر و بدبختی وجهات مردم آن سامان را برجهانیان مکشوف مینماید، از نقطه نظر یگانه انسان حقیقی وارد بحث در اوضاع اجتماعی هندوستان میشود و ثابت میکند که اسارت هندوستان بجهت اندازه برای اهالی آن سرزمین گران تمام شده است.

امپراطوری برطانیای برای تجاوزات جاہرانہ خود در هندوستان دست آویزی دارد و اینطور بدنیسا وانمود میکنند که هندوستان بواسطه جهالت و نصب عمومی و برای اینکه فاقد لیاقت خود مختاریست باید عملاً توسط یک دولت توانای مصلح اداره شود و صلاحیت این کار را هم بالطبع بخشود اختصاص میدهد.

ولی ویل دوران باذکر دلایل و راهین قاطعه اثبات میکند که جهل و فقر هندوستان معاول اسارت آن ملت است به عامل ویل دورانت در ضمن این کتاب بجزیت تمدن شرق که بروی بنیان مستحکم روح و انسانیت استوار است اعتراف نموده و اشاره میکند که استیلاء انگلیس در هندوستان نه تنها آن مملکت را بطرف خرابی و نیستی سوق میدهد بلکه تمدن عالی مشرق زمین را تهدید مینماید و بیم آن میرود که تمدن منرب که بدور محور نفع و ماده پرستی دور میزند شرق را نیز فراگیرد و انصافیت را بکلی زایل نماید. نویسنده این کتاب بطور اہتمام اعتراف میکند که تنها تمدنی که میتواند موجبات نیگبختی و آسایش جهان را فراهم کند و در عین حال از بیم

زوال و آسیب اضمحلال و فنا این باشد تمدن مشرق است و برای جلوگیری از زوال این تمدن خود مختاری هندوستان را اولین شرط و وسیله میدانند و تصور میکنند آزادی هندوستان آزادی مشرق زمین و آزادی مشرق زمین آزادی بشریت و نجات تمدن شرق از نیستی و انحطاط است.

بیشتر از این : آبا ندیدیم چگونه حرص استعمار هندوستان و رقابت های سیاسی دول مغرب جنک عالمگیر و خاناسوز بین المللی را بوجود آورد و صدمه اروپا را که عروس جهانتن میخواندند بدل به آتشخانه مهیبی نمود که مردمان آن مانند گرگان درنده بجان هم افتادند ؟ آری برای پیدایش جنک بین الملل دلائل و عوامل زیادی ذکر کرده اند ولی اگر حقایق و کیفیت امر را بمطالعات دقیقتری معروض بداریم، اگر بدانیم ترس و وحشت بریطانیا از اقدام سایر دول برای نابودن هندوستان، وجود جنک بین المللی بود خلاصه اگر بدانیم خاسته این جنک به نظیر بریطانیا را از تعرض آلمان و روس باصول مالك الرقابى آن در هندوستان آسوده کرده قبول خواهیم کرد که یگانه عامل اساسی جنک ۱۹۱۴ امارت هندوستان بود.

و هندوستان امروز برای حصول استقلال میکوشند موفقیّت آن نجات آسیا و شکست آن يك جنك قطعى عالمگیر دیگر است که برانب از جنك گذشته دولناکتر میباشد.

دانشمندان و متفکرین مغرب که دوستدار صلح و آرامش و طرفدار استقلال و آزادی میباشد برای اجراء منظور خود دمی آرام نمی نشینند، میگویند مینویسند و غفلت و سکوت را جایز نمیدانند.

ما که در يك گسوته این قطعه وسیع و پهناور ساکنیم و می بینیم برادران شرقی ما بدینگونه مورد تطاول و خمای غارتگران استعمار واقع شده اند چه مسؤولیتی بعهده داریم و چه میتوانیم بکنیم ؟ ما از لحاظ مسئولیت فردی و خصوصی در مقابل انسانیت باید بگوئیم و بنویسیم و یاد داد خواهان دیگر هم نوا شویم تا دنیای کنونی صدای ناله و داد جوئی ما را بشنود و اوضاع این سرزمین مصیبت دیده را مورد مطالعه قرار دهد.

من بواسطه اهمیتی که این کتاب دارد و برای اینکه بقدر توانائی خود در اجرای این منظور مهم و عالی کوشیده باشم ترجمه این کتاب مجادرت

نه درم و تصور میکنم عشاق حریت و آزادی را درخور توانائی خویش از مغانی
نیکو تقدیم کرده ام . باید اصراف کنم که کار مهمی را انجام نداده ام
فقط صدای یکی از طرفداران آزادی و استقلال را بگوش همدستان خود
رسانیده ام ولی اگر چنانچه باید توانسته باشم افکار آن فیلسوف زرکوار
را از انگلیسی به فارسی نقل و ترجمه نمایم تا همین اندازه هم خورسند و مفتخرم .
این کتاب در اصل انگلیسی «مو سوم» به Casefor India یعنی (دفاع
از هندوستان) میباشد . ولی برای اینکه اسم این کتاب با اصل اول آن
که در تحت همین عنوان است مشتبه نشود آنرا در تحت عنوان «اختناق
هندوستان» انتشار میدهیم که از اصل موضوع کتاب چندان دور نیست .

تهران اول مهر ماه ۱۳۱۰

و . نامور



مقدمه مؤلف

من ابتدا برای بسط معلومات و تزئین اطلاعات خود راجع بکیفیت روحی و دماغی مردمی که تاریخ فکری و عقلانی آنها را برای نگارش کتاب «تاریخ تمدن» خود مورد تحقیق قرار داده بودم به هندوستان موبت نمودم، من بهیچوجه منتظر نبودم که اوضاع اهالی این سرزمین عواطف مرا بخود جلب کند، تصور نمیگردد نسبت باوضاع سیاسی آن در من علاقه ای تولید شود، منظور من فقط از زیاد اطلاعات علمی خود بود و میخواستم بعضی آثار صنعتی این سرزمین را برای العین دیده و پس از آن این دنیای معاصر را برای همیشه فراموش کنم و به تحقیقات تاریخی خود ادامه دهم.

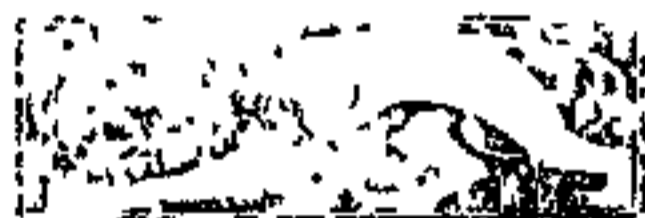
مشهودات و مطالعات من در عمق کیفیت زندگی مردم این مملکت بمن مدلل نمود که در پیشگاه یکدسته بزرگ از انسانها - تقریباً خمس حاضر بشری - که در زیر بار فقر و فشار استبداد می نالند تحقیق و بوستاندگی کارهای بوج و بیمعی است. آنچه که در هندوستان مشاهده نمودم سرایای وجود مرا بارزه در آورد. هیچ تصور نمی کردم است دوانی در دنیا پیدا شود که تا این اندازه حاضر باشد رعایای خود را در گرداب سباه روزگاری و تیره بختی غوطه ور بیند.

در اثر مشهودات خود مصمم شدم هندوستان حی و زنده کنونی را نیز مانند هندوستان قدیم با آن مجده و عظمت درخشان مورد تحقیق و مطالعه قرار دهم. از کیفیت پیدایش این انقلاب بی نظیری که جبر و فشار را متحمل میشود ولی در مقابل بدون تشبث بجبر و فشار با نهایت آرامش توسعه پیدا می کند اطلاعات عمیقتری کسب نمایم و کابلی امروز را مانند بودای قدیم بشناسم هر قدر اطلاعات من درباره این کشور روی باز دیاد و یگذاشت و بس آشکار میشد که چگونه برطاییا در طول مدت یکصد و پنجاه سال عالمی و عامداً خون هندوستان را قطره قطره مکیده است، بهمان نسبت بر تعبیر و تأسف من میفرود: تا اینکه رفته رفته حس کردم با یکی از فجیعترین جناباتی که در تاریخ دنیا بی نظیر بوده است مواجه شده ام:

در اینصورت از خواننده اجازه میخواهم که چندی دنبال تحقیقات خود را راجع بگذشته هندوستان کنار گذاشته و چند کلمه در خصوص هندوستان

زنده امروز بسم جامعه شرور-ام : من میدانم گفتار تنها در مقابل توپ و سر نیزه
و خون چقدر عظیم‌التاثر است ، میدانم حقایق برهنه در مقابل عظمت و ثروت
يك امپراطوری بزرگ چقدر حقیر و ناچیز میباشد . مهذا اگر بدانم حتی یگسار
هندی که در طرف دیگر کره زمین برای آزادی و استقلال خود از قید
رقبت و اسارت جانشانی میکند از مندرجات این کتاب اندکی نسای خاطر
می یابد در اینصورت خدمات چندین ماهه برای نگارش این کتاب در مذاق
جان من بسی گوارا و خوش آیند است . زیرا حس میکنم دود بیای امروزه
هیچ خدمتی را من نمیتوانم انجام دهم که در پستگاه بشریت و مردمی اینقدر
قیمت و ارزش داشته باشد که در حدود توانایی خود به هندوستان مساعدت و
معاونت نمایم .

اول اکتبر ۱۹۳۰ وپل دورانت



فصل اول

دفاع از هندوستان

خصوصی

من میخواهم در این فصل از روی تائیر و جاابداری که سابقه و نظیر نداشته است سخن بگویم. من خود را شایسته آن نمیدانم که راجع هندوستان چیزی نویسم. من فقط دومرتبه هندوستان را از مشرق مغرب و یگمرتبه هم از طرف شمال بجنوب گردش و سیاحت نموده و بیسی از ۱۲ شهر آنرا ندیده ام، برای کسب اطلاعات جامع و عمیق بیش از یکصد جلد کتاب معتبر را راجع هندوستان مورد دقت و مطالعه نمودم. فرار داده و بالاخره من بنام دریشنگار تمدن پنجهزار ساله ممانعتی که در فلسفه، ادبیات، صنعت، علوم ماوراء الطبیعه سرآمد دیگران است و عظمت و مقام آن از خرابه های آثار قدیمه و از عمق کشمکش فعلی آن برای حصول حریت هویدا و آشکار باشد تمام معلومات و اطلاعات من بصاعتی مزجاء است. من نه در اثر تأثرات خود در صدد بر آمده ام که خلاصه افکار و احساسات خویش را بروی این اوراق بخش نمایم.

من باینجهت بنگارشی این کتاب مادرت مبوررم که می بینم عمر چون باد سرسر در گذر است و نمی ایستد و منتظر «میشود» که ما دانش و علم خود را کامل کنیم. انسان باید حرف بزند و قبل از اینکه جنک خانمه یابد مردانه قدم عالم کند بطرف عداری یکی از دو طرف قیام نماید.

من جمعیت کثیری را دیده ام که در مقابل چشم از شدت گرسنگی جان میدهند. بمن ثابت و مسلم شده است که این قحط و غلاء بر خلاف آنچه که بعضی ها مدعیند، بهیچوجه نتیجه تکثیر نفوس بارواج جهل و تعصب نیست. بلکه این اوضاع زبیره بختی ها معلول اینست که دسترنج يك ملتی با طرز فجیبی که در تمام تاریخ بی نظیر بوده است توسط ملت قاهر دیگری

بخارت میرود من میخواهم نشان دهم که چگونه انگلیس سال بسال خون هندوستان را مکیده و آنرا بر بهنگاه مرگ و نیستی نزدیک کرده است . میخواهم روشن کنم که اگر هندوستان مستقل و خود مختار بود نتایج آن بهیچوجه وخیم تر و اسفناک تر از قبیه این استیلاء و تملک نمیشد . میخواهم در طی این فصل حقایقی را که بر له هندوستان است روشن و آشکار کنم زیرا میدانم در ضمن کتابی که میتوان آنرا نامطبوع ترین کتاب دنیا خواند تا آنجا که توانسته اند بر علیه هندوستان گفته و نوشته اند . بنابراین برای اینکه منم از طرف دیگر دچار همان خط و اشتباه نشوم در یکی از فصول بعد آنچه را که میدانم بر له انگلستان مینویسم و حقی در که نسبت به هندوستان دارد بیان میکنم .

راهزی ماکدونالد رئیس الوزراء فمالی انگلیس در جریده دلی هرالد مورخه ۱۷ اکتبر ۱۹۲۷ اعلام نمود که کشمکش زیاد برای حصول خود مختاری در هندوستان لزوم ندارد زیرا بزودی خود مختاری بهند اعطا خواهد شد مشارایه تاکید نمود که هندوستان واجد لیاقت و شرایط خود مختاری است و فقط باید پس از حصول آزادی تجاری را که از آن بدست میآورد بهکمال برساند

کابینه کارگری انگلستان کمی قبل از اینکه بروی کار باید در طی یک اعلامیه رسمی چنین گفت :

« تصور میکنیم دیگر آروز رسیده است که تمام برادران ما نیز در درجه نقاط هندوستان مانند افریقای جنوبی و مستعمرات بریطانیا میتوانند (نه اینکه روزی خواهند توانست) امور خود را باکمال خوبی اداره کنند . ما خود را ملزم میدانیم که برای عملی شدن این اصلاح هر قدر بتوانیم از ممانعت و کمک دریغ نکنیم . »

من افتخار اینرا دارم که در این قسمت با دولت بریطانیا همعقیده میباشم . یعنی من نیز فقط تقاضای حکومت خود مختاری میکنم . من نه تنها مانند یکنفر امریکائی بلکه بسمت عضوی ازاعطاء جامعه انگلیسی زبان سخن میرانم . من بیانات و گفتار خود را به پیشگاه حکمیت و انصاف خود انگلیسها وامیکذارم و تصور میکنم آنچه را که مینویسم متناسب و متوائقی با افکار و آثار آزادیخواهان انگلیس از بودل Burke ، تریدان Sheridan و فاکس Fox

تایر تان راسل Bertrand Russel رامزی ما کدونالد Ramsay Mac Donald و برنارد شو Bernard Shaw میباشد ، من افراد انگلیسی را دوست میدارم و معتزلم می‌شمارم ولی برطانیایا مطبوع طبع من نیست انگلیسیها نجیب ترین مردمان روی زمینند ولی برطانیائی بدترین امپریالیست دنیا میباشد . انگلیسی ها بدنیایا حربت و آزادی دادند اما امپراطوری برطانیایا اساس آن آزادی را واژگون کرد . من تنوع خود اذعان میکنم که یکی از عشاق و هواخواهان آزادی میباشم .

۲ - شکل و منظره هندوستان

باید در نظر داشت که هندوستان يك جزیره كوچك و محقر يا يك سرزمين كه محدودی از انسانهای بدون در آن سکونت اختیار کرده باشد نیست بلکه هندوستان کشور پهناور است که ۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰ نفوس زنده در آن زندگی مینمایند این عدد سه مقابل تمام ساکنین ممالک متحده امریکا بیش از امریکای شمالی و امریکای جنوبی و زیاده از اهالی ساکنین تمام اروپا باصمام روسیه غربی میباشد : بطور کلی نفوس آن خمس جامعه بشری را تشکیل میدهد . اهالی شمال هندوستان که قسمت اعظم و مهم آن سرزمین بشمار است با یونانیان و رومیان و خود ما در يك اصل و زاد میباشد . این مردم از اخلاف هند و اروپائی و نژاد آریین بوده و با اینکه در اثر تاش دائمی آفتاب تغییر رنگ و بشره داده اند ولی هیكل و ساختمان بدن آنها تماما مشابه هیكل و ساختمان بدنی ما است . و روپهم رفته از اروپائیان حالس تر و پاکتر می باشند . هندوستان مهد پرورش اسلاف نژاد آریین بشمار و ساتسکریت مادر کلیه اسنه مختلفه اروپائی محسوب است . فلسفه و ادبیات غرب مولود فلسفه و ادبیات هندوستان میباشد : علوم ریاضی در این سرزمین بوجود آمد و بعدها توسط اعراب به مغرب زمین راه یافت . اصول و افکار مسیحیت زائیده تالیف بودا میباشد ؛ مجامع دهقانی هندوستان قدیم منشأ پیدایش افکار خودمختاری و دموکراسی است : خلاصه هندوستان در بسیاری موارد بمنزله مادر تمام دنیا محسوب میشود . برای فهم این حقایق باید طول مدت و تنوع تمدن قدیمی آن سرزمین را در نظر بگیریم : اکتشافات جدید در ناحیه موهنجودارو Mohenjo Daru و آتاری که در آنجا بدست آمده است نشان میدهد که يك تمدن عالی و درخشانی

در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در آن سرزمین باوج اعلا رسیده و حکمرمانی
میگرفته است. از روی آثار مکتوبه مزبور چنین اثبات میشود که شهرها و
بلاد آباد و پرجمعیتی در این ناحیه وجود داشته ، مردمان آنها دارای تمام
مظاهر تمدن از قبیل صنایع مستظرفه ، منازل راحت و یا گیزه اسباب تجمل از
حمام خانگی ، طلاآلات و مجسمه های زیبای ظریف که اغلب مساکن را زینت و
زینت می بخشیده است بوده اند و همه اینها از يك رشته اصول زندگی
اجتماعی که به مراتب عالیتر از اسلوب حیات اجتماعی بال و مصر بوده و بانها
برتری دارد ، حکایت میکنند . در سال ۳۲۶ ق. م. یعنی موقعیکه اسکندر
کبیر خطه هندوستان را بهیچیه تصرف خود در آورد هنوز آثار این تمدن
اعالی بکلی محفوظ شده بود .

مگاستن Megasthenes مورخ و مصاحب این فاتح کشورگشا در
بشرویی خود در حوالی رودهند با مردمی مواجه شد که در تمدن و صنعت
با یونانیان برابری میکردند و از مشاهده آنها بسی متعجب و متعجب گردید
در تمام اعصار تاریخی هیچوقت هندوستان فاقد يك تمدن عالی و درخشان
نیوده است : در ابام بودا پیغمبر عالی مقام هندی که در نظر شرقیها همان مقامی
را حائز است که مسیح در نظر غربیها دارد اهالی آن سرزمین دارای کمالات
صوری و معنوی بودند . در زمان سلطنت اسوکا (Asoka) بهترین و مقدسترین
امپراطور ها که همت به نشر اصول دینات بودا گمانت تمدن هندوستان عالی
ترین نمونه تمدن دنیا بشمار میآید . در قرن شانزدهم میلادی تروت نگری
صنعت و ثروت و بوجیاناکار Vijayanagar معروف جهان بوده . در زمان
جهانبای اکبر هندوستان در تمام مظاهر تمدن بدرجه اعلا ترقی و تعالی
رسیده بود گریستف کلمب برای اینکه باین سرزمین که ثروت و ثمول آن عاقد
حکایات افسانه ای در تمام دنیا مشهور بود دست بیابد سطح آن همه اقیانوسهای
پر خطر را بپیمود . تمدنی که سر نیزه و توپ انگلیسی اساس آنها از هم
مزلاتی نبود در طول مدت ۱۵ قرن در هندوستان نور افشانی کرده و مردمان
عالی مقامی مانند بودا ، راماکریشنا و کاندی که جهان انسانیت را زینت بخشیده اند
بوجود آورده است . بهترین و عالیترین نمونه فلسفه متین و وسیع این سرزمین
بنام (ودا) از بهترین شاهکار های جاودانی و زوال ناپذیر دنیا بشمار میآید

مشاهیر رجال از قبیل شوپنهاور Schopenhauer بر کسان Bergaon ،
تورو Thoreau ، کزولینک Kezseling همه معترفند که خوشه چین خرمن
فلسفه هندوستان بوده و در آغوش آن پرورش یافته‌اند (کزولینک میگوید
هندوستان د عمیقترین اصول علوم ماوراءالطبیعه را که اینک در دسترس ما
هست بوجود آورده و به کمال رسانیده است) مشارالیه در جای دیگر از
امتزاز مطلق فلسفه هندوستان بفرستاده غرب سخن میراند (مهاجرات
Mahabharata که شامل ویا ترین قطعات ادبی دینا است زانیده ادبیات
شیرین هندوستان میباشد ، ساروجینی بیدو ، که بزرگترین شاعر زمانه معاصر
است و راسندراتات ناگور شاعر و فیلسوف عالی‌قام هندی که در سر زمینی
مذنوب با اصطلاحات علمی شعر میگوید و با وجود این معروفترین شعرای
دنیا است هر دو در دامن تمدن هندوستان پرورش یافته‌اند بطور ما می‌توانیم
تمدن خود را با تمدنی همسر و برابر بدانیم که مابذ زیبا و با شکوه بی‌نظیر
الورا ، آنگور ، و تصور صنعتی و مجلل دهی آغرا ، و تاج محل را که خوا
مطلوبه است مشهور ، ابارک کاریهای شعر بوجود آورده است ؟

آنچه معلوم و مبرهن است این تمدن بهیچوجه با آن تمدن غرب
بوده و موجودین آنرا نمیتوان دست تر از اینهای غربی و برتر دانست . تمدن
هندوستان با عالیترین تمدنهای تاریخ دنیا همسری و برتری میکند لکنه
بعقیده کزولینک عالیترین و درخشانترین تمدنهای دنیا شمار است .

در سال ۱۸۰۳ قوای مسلح دولت بریتانیا هند را تصرف
کرده و تیره‌های اش باز خود را بطرف خوش حال نشانده و در صد آتش
کشایی برآمده ، هندیان مدافع برای صدمات ریهاترین تاریخ صنعتی که دست
بشری تاکنون نبوده است هتر از آن بوجود آورده و برای اینکه این
بتای باتشکوه در اثر قهر و غلبه مهاجمین ویران نگردد و صرفه‌ای بتمدن
هندوستان وارد شود ناچار تسلیم گردیدند : آیا کدام يك از این دوسته را
میتوان تمدن حواد ؟ غلبه و تسلط بریتانیا در هندوستان عارت بود بر يك
استیلاء نظامی فاجعه و در نتیجه آن يك گویای تجارتنی که فاقد اصول و
انتظام وقاعده ، بی اعتنا بتمدن و صنعت و حرفص در زمانم مادی بود ، مملکتی
را که از لحاظ تمدن و تربیت ثروتمند و از حیث انتظام لشکری و استحکامات
قشونی عقب بود در زیر آتش و شمشیر نابود و تمدن درخشان آنرا متلاشی

نمود. این کمیانی با خود به هندوستان چه اره‌دان شایسته‌ای آورد؟
 رشوه خواری، قتل نفوس، تصرف عدوانی، چپاول، بخرای غیرقانونی
 و قانونی که در مدت یکصد و پنجاه سال در هندوستان حکمفرما بوده و آن سرزمین
 را بطرف مسو و زوال سوق داده است! اینست نتیجه تسلط و غلبه بریطانیا
 در هندوستان. هنوز اصول بهماگری خاتمه نافته و در همین دقیقه که ما مشغول
 نگارش این سطور میباشیم و با اعمال فراغت بسر میبریم تمام این اصول صحت
 و خامان برانداز در سراسر هندوستان حکمفرمائی میگردند.

۳ - تصرف آطاول يك سرزمین وسیع

هنگام هجوم بریتانیا هندوستان را از جهت بیابان خراب و از جهت اقتصاد
 و ثروت ذراتی درجه ترقی بسر میبرد. در سال ۱۶۵۶ که ش. ج. جان
 دانی باج محض و تحت اوردن بر سر آمدن در آن وقت بر سر تسلط و هجوم
 پرستی برارینگه شد. بگت اوردن شهر در آن وقت بر او تسلط سلطین
 مغول که در آن وقت در هندوستان تسلط داشتند و در آن وقت در هندوستان
 هندوستان را از تمام هندوستان جدا کردند و آن را سرزمین آطاول
 سلطین بر سر آمدند.

سوء مدیریت این امرانگیزان و تصرف در آن سرزمین در آن سال
 سلطنت او در هندوستان و در آن طرف سلطنت او در آن سال در آن وقت او
 شاهزادگان و پادشاهان هر کدام در آن گوشه و گوشه هندوستان گوشه نشین
 و اصول دواک انگریزی را برقرار نمودند. برای يك عهد انگریزی های
 راهرن که با آن بر سر تسلط سلطنت او در آن وقت در آن وقت در آن وقت که
 سلاح آنها عبارت از کمان و مسدودی تنگهای قایمی و بگانه اول جنگی
 بود و تصرف کردن سرزمین هندوستان هیچ اشکالی نداشتند چنانکه در آنک
 مدنی ایالات هندوستان را یکی بعد از دیگری مفتوح نمودند و تسلط کردی
 هند شرقی برطایا سپردند.

کسانی که امروز درجه سر و تنگدستی و بدبختی و ضعف بدنی اهالی
 هندوستان را می بینند کمتر باور میکنند که این همان سرزمینی است که
 ثروت و ثول بی پایان آن در قرن هیجدهم توجه قاجاقچیان و دریاوردان
 انگلیسی و فرانسوی را بخود جلب نمود.

ساندرلاند Sunderland مینویسد که این سرسایه هنگت و ثول

بی پایان در نتیجه کار و صنعت و صنایع و متنوع هندوها بوجود آمده بود: تقریباً تمام انواع محصولات و مصنوعات که در دنیای متمدن و در نتیجه فکر و مجاهدت نوع بشر بوجود میاید در هندوستان موجود و رایج بود. هندوستان پیش از تمام ممالک اروپا و آسیا دارای کارخانجات متعدد و حیات صنعتی عالی بود. مصنوعات آن سرزمین در همه دنیا بی نظیر و منسوجات ینبه ای ویشمی و کتان و نخی آن در تمام ممالک متمدنه معروف بود. انواع و اقسام جواهرات که در هندوستان بدست ماهرترین استادان فن به اشکال مختلف بسیار زیبا تراشیده شده بود، ظروف سفالی و چینی مختلف الشكل و قشنگ و مصنوعات فلزی که از آهن و فولاد و نقره بعمل میاید توجه تمام دنیا را به آن سرزمین جلب کرده بود. معماریهای زیبا و مجال آن باعالیترین معماریهای دنیا برابری میکرد، اصول مهندسی بطرز و اسلوبی خاص رواج داشت، عده گتیری از تجار و سرمایه داران بزرگ، صاحبان بانک و متخصصین مالی در آن سرزمین سکونت داشتند، هندوستان نه تنها در آنوقت در ردیف اولین علت کشتورساز دنیا بشمار میآمد بلکه بانام دنیای متمدن دارای تجارت بری و بحری بود. این بود اوضاع هندوستان موقعی که بریطانیایها بان سرزمین هجوم آوردند (۱)

این ثروت هنگمت و بی پایان بود که مورد طمع کمپانی هندوستان شرقی واقع شده و این کمپانی بتصرف و تملک آن تصمیم گرفت. مدبر کمپانی مزبور در سال ۱۶۸۶ اعلامیه ای باین مضمون صادر نمود: « کمپانی هندوستان شرقی تصمیم دارد در هندوستان یک مستعمره انگلیس برای تمام ادوار آینده تاسیس و برقرار نماید (۲) کمپانی هندوستان شرقی از امراء و حکمداران هندوستان پست های تجارتی متعددی در مدرسی و کلکت و بمبئی اجاره نموده و بعدها بدون اجازه موجر بن بااستحکام پست های مزبور بسا انواع اسلحه و گمانتقن دستجات قشونی در هر یک از آنها مبادرت کرد. در سال ۱۷۵۶ راجه ایالت بنگاله باین تجاوزات اعتراض نموده قلعه و بلیام انگلیس

(۱) ساندرو لاند، ص ۳۶۵: شرحی نظیر این در صفحه ۱۰۰ و ۱۰۵

و ۱۱۰ و ۱۱۵ کتاب « تاریخ اقتصادی هندوستان در اوایل تسلط بریطانیا » تألیف دوت. ر. کس. Dutt R. C. مندرج است

(۲) ریماند، ص ۴۲

را محاصره و آنرا بتصرف خویش درآورد و یکصد و چهل و شش نفر انگلیسی را اسیر نموده و در « سیاه چال کلکته » محبوس نمود در فردای آرزوی موفقیت که در شب محبوس مزبور را گشودند از تمام آن عده فقط ۲۳ نفر را زنده یافتند. در سال بعد روبرت کلیو Robert Clive در پلاسی قوای جنگال را مغلوب نمود و در این جنگ از خود انگلیسهائی که در تحت فرمان او بودند ۲۲ نفر مقتول گردیدند. پس از شکست قوای جنگاله کمیانی خود را مالک تروتمند ترین و مرفه ترین ایالات هندوستان اعلام نمود. بعدها بوسیله جمل استاد، القاء غیر قانونی معاهدات، ایجاد نفاق مابین شاهزادگان، رشوه دادن و رشوه گرفتن، ایالات آن سرزمین را یکی بعد از دیگری بتصرف خود درآورد: تنها در یک مورد مبلغ چهار میلیون دلار در یک گشتی تجارنی به کلکته حمل و ارسال شد. از شاهزادگانی که اسیر سرپیچیده او و تسلیحات او بودند مبلغ ۱۷۰۰۰۰ دلار دریافت و پس از آن آنها را اعزام نمود که مرتباً هر سال ۱۴۰۰۰۰ دلار بوی بپردازند:

مشار الیه پس از مدتی مبتلا به ابله گردید. از طرف پارلمان احضار و مورد تفتیش و استیضاح واقع شد تقصیرات او ثبوت ییوست و باعدم محکوم گردید. این شخص در زمان حیات خود مکرراً میگفت « هنگامی که من ثروت و ثمنول هنگفت این سرزمین را در نظر میآورم و می بینم آنچه من از آنها ربوده و خارج کردم نسبت بانچه در آن سر زمین باقی ماند چقدر حقیر و ناچیز است از اعتدال و میانه روی خویش تعجب میکنم. (۱)

جانشینان کلیو در مدت یکقرن که متغول انتظام امور کیانی بودند با کمال آرامش وبدون سروصدا منابع ثروت هندوستان را به تصرف خویش درآوردند وبدون مانع و رادع منابع هنگفتی تحصیل نمودند. متاعی را که هر هندوستان به مبلغ ۲۰۰۰۰۰ دلار میخریدند در انگلستان به ۱۰۰۰۰۰۰۰ دلار میفروختند (۲) کارکنان کمیانی مزبور خواه بطور شخصی وانفرادی

(۱) - قانون تمدن و فساد تالیف ادامس بروک چاپ نیویورک ص ۳۰۸ :
فرماند ص ۳۴ تاریخ هندوستان اگسورد چاپ اگسورد ص ۵۰۵ : لوایح تاریخی و
مقتضای مکارولی جلد اول ص ۵۰۴

(۲) - فرماند ص ۳۱

در یکی از دایره‌های رسمی که توسط بگنر انگلیسی تهیه شد شرح ذیل مندرج است. برای اینکه بداند خود ازدهاقین فلگزده و بینوا اخاذی کنند انواع شکنجه‌های طاقت فرسا را در حق آنها بکار ببرند و اگر کسی را ببینند که نمیتواند از عهده ادای آنچه از وی مطالبه شده برآید، وسائل شدیده‌ای که جامعه قانون در بر دارد منتشر میگرددند (۱) واران هاستینگ Warren Hastings عنوان کمک بجزایه کیبانی از بعضی شاهزادگان ۲۵۰۰۰۰۰ دلار مستمری در یافت شد است. پس از مدتی مبلغ خطمیری رشوه از آنها در پاسب بود که مستمری مزبور چیزی ۲۰۰۰۰۰۰۰ ولی پیمان خود را شکست و بان وسیله ایالت جدیدی به دایره هند داد ضمیمه کرد (۲) به این حیث اجاره داد که برای دریافت مستمری گشت شکنجه و آزار شود (۳):

تنها این بود: توان ناحیه اوز را واداشند که اموال مادر و مادر آنک خود را بیضا سرد تا بتواند مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلاری را به کیبانی بی مطالبه بگرد ببرد (۴) طریقی نگشاید که ایالت اوز هجوم آورد آنرا منصرف شد و با آنرا یکی از شاهزادگان پیمان ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار فروخت بگرد بزار یکی از راجه‌های هندی در مقابل ۲۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار قرض داد و با اینکه پیمانست راجه مزبور این عده را برای اجرای مقصد بست و شرارت آمیز و کشت و کشتار میخواست ابتدا از وی مدافعی عمل بیاورد (۵) تاریخ هندوستان جامعه اکسفورد در این مورد چنین مینویسد: در این موقع هر چیز و هر کس در معرض فروش واقع بود مکابلی مینویسد، در مدت پنجسال بعد از مراجعت کلیو سوء استعمال قوای حکومت انگلیس بجائی رسیده بود که موجودیت هیئت اجتماع را در خطر انداخته و بجای آنرا متمتع میساخت ... نوگرها و گماشتگان کیبانی

۱ - دوت ص ۷۶ و ۷۷

۲ - مکاولی ص ۶۰۳

۳ - ایضاً ص ۶۰۹

۴ - دوت ص ۷

۵ - مکاولی ص ۶۸ الی ۷۰

مردم را مجبور میکردند که ارزان بخرند و گران بفروشند... با این طریق در همان موقعی که بیش از سی میلیون نفر در گرداب سهمگین فقر و گرسنگی غوطه ور شده دست و پا میزدند ثروت و ثمول در کلکته خرمین شده بود، این تیره بختان با اینکه از دیر زمانی تحمل ظلم و ستم عادت نموده بودند ولی نمیتوانستند ابعاف و بیداد و تجاوز را تا این درجه تحمل کنند... قبل از استقلال انگلیس و در زمان حکمرداری روسای جابر بومی اقلایک دره چاره برای آنها باقی بود یعنی هنگامی که قبایح و شرارت حکومت باعلی درجه میرسید میتوانستند برعکس آن طغیان نموده و اساس آن را واژگون کنند ولی حکومت انگلیس از آنهایی نبرد که بتوانند در مقابل آن مقاومت ورزیده و تزلزلی بارگاش وارد نمایند. این در استی که سخت ترین و مهمب ترین وضعی شدت و فشار را اعمال مینمود با تسبی قوا و اسلحه مدنیت مسلح بود (۱)

در سال ۱۸۵۸ دولت انشی عملیات جنایت بار کمپانی بطوری در آسمان هند متصاعد شد که تیرگی فضای آن مملکت بدولت بریطانیا محسوس گردید و ایالات غارتزده و از هستی ساقط شده در جزء کولونیها و مستملکات سلطنتی قرار داد و باین طریق یک جزیره کوچک و محقر در اقیانوس اطلس تقریباً نصف یکی از بزرگترین قطعات دنیا را متصرف گردید. دولت انگلیس برای خرید ایالات مزبور باندازه کافی پول بکمپانی می پرداخت و موجبات رضایت آنها فراهم مینمود اما تمام وجوهی را که باین مصرف میرسانید با منظور کردن حد اکثر نزول (ابتدا ۱۰ در ۱۰۰) بعنوان اضافه مالیات از اهالی هندوستان دریافت نمود (۲) تمام قروضی که در دفتر کمپانی ثبت بود با حد اکثر نزول آن تا دینار آخر بفرض عمومی هندوستان اضافه شد تا مردم بتوانند از زیر بار مالیات های طانت فرسای بیرون بیایند.

در این موقع نوبه کلاه سازهای قانون — همان قانون که از طرف یک دولت فاتح در مورد ملتی مغلوب وضع میشود — رسید. در این موقع شکستجه

۱- مکلوئی ص ۲۸

۲- دولت ص ۳۹۹ و ۴۱۷

و هذاب جامه رباکاری در بر نمود و خویشان را در زیر حجاب قانون مستور و رشوه دادن و رشوه گرفتن مانند همیشه در تحت عناوین دیگر رواج کا داشت.

فتح و غلبه بریطانیا از بعضی لحاظ بفتح هندوستان تمام شد در سال ۱۸۲۹ لورد ویلیام بنتینک Lord William Bentinck بموجب يك ابلاغیه رسمی قانون قربانی کردن زنان را پس از مرگ شوهر ملتی و ممنوع نمود ولی خود او مترف است که تنها با مساعدت مؤسسات اصلاحی داخلی توانسته بود باین اصلاح مهم نایل شود. از طرف دیگر باید دید که برتالیها نیز در ۳۰۹ سال قبل از آتموقع قانون مزبور را در قلمرو چگمداری خویش در هندوستان ملتی و ممنوع داشته بودند (۱)

اشخاصی مانند بن بنتینک Bentinck مونرو Munro امین استون Elfinston و مگاواله که بهندوستان اعزام شدند بعضی از اصول آزادی را همان نهجی که در سال ۱۸۳۲ در انگلستان جاری بود در نقطه ماموریت خویش ترویج کردند انگلیسیها باصول تاگز Tugs یعنی راهزنی و چپاول مخصوصی که معمول بود خانه دادند و قانون منع برده فروشی را تکمیل نمودند؛ برای سرعت امور تجاری وقتشونی را آهن ساختند. کارخانچائی دایر کردند. برای تکثیر نفوس از طرفی وسائلی برانگیختند. چند باب مدرسه تاسیس کردند، علوم و اصول تجارت و صنعت را با خود بهندوستان آورده و رواج دادند، افکار دموکراسی غرب را در مثر اهالی ترقی نزدیک کردند، و بتوسط محققین خویش دنیا را از افکار هندی مطلع ساختند

ولی این منافع برای هندوستان خیلی گران تمام شد. در عوض این فوائد ایالات آن یکی بعد از دیگری خواه بوسیله جنگ و خواه باستقامت رشوه، خواه بوسیله نشر اعلامیهائی مانند اعلامیه لورد دالهوسى Lord Dalhousie که مطابق مقررات آن پس از مرگ يك شاهزاده ای بدون وارث و جانشین مال و ملکش بدوات بریطانیا تعلق میگرفت از تصرف حکمداران بومی خارج شده و بتصرفات انگلیس ضمیمه میشد. در مدت مدیریت لورد مذکور باین طریق و بدون سر و صدا هشت ایالت مهم هند بتصرف دولت بریطانیا در